

**خدای زنده**

**جلد دوم**

**بخش صعود و نزول روح القدس**

**فصل دوم :**

**روح القدس طبق کتاب مقدس**

**سطح عالی**

بخش ششم

## صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت اول : روح القدس کیست ؟

فهرست

۴۲۴	فصل دوم: روح القدس طبق کتاب مقدس
۴۲۴	قسمت اول: در عهد عتیق
۴۲۴	نشانه های روح القدس
۴۲۹	قسمت دوم: طبق عهد جدید
۴۲۹	الف - اعلام مژده به مریم
۴۲۹	ب - تعمید عیسا
۴۳۱	ج - گفتگو با زن سامری: بخشش خدا
۴۳۲	د - عید خیمه ها: آب زنده
۴۳۴	ح - بعد شام آخر
۴۳۴	رفع یک سوء تفاهم «PARAKLETOS»
۴۳۴	الف - روح القدس و حضور عیسا
۴۳۵	ب - روح راستی، خاطره ی زنده ی کلیسا

## فصل دوم روح القدس طبق کتاب مقدس

### قسمت اول: در عهد عتیق

تا دم عیسا تو را زنده کند همچو خویش خوب و فرخنده کند

(مثنوی، اول، ۹۱۰)

(قبل از خواندن متن ذیل، حزقیال ۴۷: ۱-۱۲ را بخوانیم)

جوان: به نظر می آید که در عهد عتیق خیلی کم سخن درباره ی روح القدس به میان آمده است. پیر: البته روح القدس از ازل در راز سه گانه ی اقدس با پدر و پسر وجود داشته، اما اظهار وجود او فقط با آمدن مسیح روشن می شود. بنابراین، همان طور که می گویی از اسم او در عهد عتیق کمتر سخن به میان می آید اما به صورت نماد و سمبول به او اشاره شده است مانند: آب زنده، آتش، روغن، شراب، باد، ابر و کبوتر. در مورد این اشیا دیدنی باید اول درک نمود که اینها خود نشانه ای از برکت خدا می باشد. اما این نمادها را بررسی می نمایم که چگونه در تجربیات انسانی قابل استفاده و سودمند می باشند و سپس ارتباط این سودمندی را با عطایای روح القدس بررسی می نمایم.



#### نشانه های روح القدس:

۱- آب زنده: هرچند که برای کسانی که در نزدیکی دریا یا رودخانه زندگی می کنند گاهی اوقات آب خطر مرگ را در بردارد، اما مقابل تجربه ی کسانی که در میان صحرا زندگی می کنند برایشان روشن است که آب سرچشمه ی زندگی و برکت خداوند می باشد (ر. ک حزق ۴۷). از دیدگاه زندگی روحانی، کاملاً روشن است که آب زنده و جوشان نشانه ای از روح القدس می باشد که زندگی نوین مسیح را به ما منتقل می سازد (یو: ۷: ۳۷-۳۹؛ ۱۹: ۳۴؛ مکا ۲۲: ۱-۲).



۲- آتش: از یک دیدگاه، آتش خطرناک و نشانه ی عذاب گناهکاران در جهنم می باشد. اما از دیدگاه دیگر، آتش برای ما انسان ها خصوصاً پیشینیان بسیار مفید بوده زیرا علاوه بر سبب روشنایی و گرمی و پختن غذا و دفاع در برابر حیوانات، طبق تجربیات روحانی در قلب ایمانداران، آتش، نشانه ای از برکت روح القدس می باشد.



۳- روغن: درخت زیتون در فلسطین یکی از فرآورده های مهم که نه تنها در صرف غذا استفاده می شده بلکه برای مسائل دیگر از قبیل بهبودی و شفای زخم، قوت بخشیدن جهت جنگ کردن، سوخت جهت زندگی روستایی، مسح کردن، حتی معطر نمودن، مهم بوده است. بنابراین، یهودیان در عهد قدیم از روغن زیتون جهت عبادت نیز استفاده می کردند. مثلاً جهت روستایی هفت چراغدان معبد، ریختن بر قربانگاه، مسح کردن پادشاهان و پیامبران. بنابراین، طبیعی است که روغن نشانه ای از برکات روح القدس باشد که به ما قدرت می دهند و در وجودمان نفوذ می کند، زخم های درونمان را شفا می بخشد (یع: ۵: ۱۴) عطر خوشبوی مسیح را به ما می دهد (۲- قرن ۲: ۱۵-۱۶).



۴- شراب: درخت تاک هم چون درخت زیتون در فلسطین فراوان بوده و خصوصاً که یهودیان در مراسم شب سبت دو جام پراز شراب را به مهمانان تقدیم می نمودند. شراب، چنان چه در مصرف آن جنبه ی اعتدال رعایت گردد سودمند و پربرکت می باشند و حتی برای التیام زخم از آن استفاده می کردند (اش: ۲۵: ۶: ۱۰: ۳۳) بنابراین، شراب تازه نماد روح القدس که سرچشمه ی سپاسگزاری و خوشبختی انسان می باشد (لو: ۱۰: ۲۱؛ مت: ۲۶: ۲۹؛ افس: ۵: ۱۸).



۵- باد: در زبان عبری و هم چنین زبان یونانی کلمه ی باد و روح دارای یک ریشه می باشند. برابر تجربه ی انسانی نمی توان در برابر باد قوی ایستادگی کرد و نیز نشانه ای از حضور خدا می باشد (۱- پاد: ۱۹: ۱۲-۱۳). بنابراین، کسی که پراز روح القدس می باشد، هم چون باد است که انسان نمی داند از کجا می آید و به کجا می رود (یو: ۳: ۸).



۶- ابر: زمانی که انسان در ابر یا مه وارد می شود حس می کند که حضوری نادیدنی و مرموز او را احاطه کرده که قابل گرفتن نمی باشد. از یک دیدگاه دیگر، ابر سبب نزول باران می گردد که خود نشانه ای از برکات خدا جهت کشاورزی می باشد. بنابراین، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید ابر یکی از نشانه های حضور خدا می باشد که پیوسته ما را رهبری و از ما دفاع می کند (خروج: ۱۳: ۲۱؛ ۱۹: ۱۹؛ ۴۰: ۳۴-۳۸)، بنابراین، ابر نشانه ای از حضور روح القدس می باشد (لو: ۳۴: ۹).



۷- کبوتر: علاوه بر این که پرنده ای نجیب و دوست داشتنی می باشد معمولاً با انسان الفت می گیرد و با انسان زندگی می کند. در زمان نوح نیز کبوتر با شاخه ای از درخت زیتون به نوح خبر داد که می توان دوباره بر روی زمین ساکن شد (پید: ۸: ۹-۱۱).

بنابراین، نشانه ای از حضور روح القدس می باشد که در زمان عیسا پس از تعمید بر او فرود آمد و بر وی ماند (یو: ۱: ۳۳).

در نتیجه می بینیم که برکات مختلف خدا از راه طبیعت نشانه ای از برکات فراوان می باشد که مسیح توسط روح القدس به ما عطا کرده است.

در فصل قبل دیدیم که سرور ما عیسا در روز صعود به شاگردان خود وعده آمدن «مدافعی» دیگر یعنی روح القدس را داد این «مدافع» برای شاگردان ناشناخته نبود زیرا در عهد عتیق بارها از آن یاد شده بود.

روح، ترجمه ی کلمه ی عبری «روآح» بوده و معانی دیگر آن، نَفَس، باد، هوا و فضای خالی می باشد. این تعدد معانی، دلیل ابهام مفهوم این کلمه در متون عهد عتیق است. روح ممکن است به انسان هم ارتباط داده شود اما اگر منظور روح خدا باشد با عبارت «روآحِ الهیم» تصریح می شود. ما کلمه ی «روآح» را که در کتاب پیدایش (۲:۱) آمده است درست به همین معنا ترجمه می کنیم. در این قسمت از باب اول کتاب پیدایش آمده است: «زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا بر سطح آب ها سیران می کرد».

روح خدا به معنای نَفَس زندگانی بخش خداست. «روح خدا بر سطح آب ها سیران می کرد». این آیه، تصویر پرنده ای را به خاطر می آورد که ضمن محافظت از جوجه هایش در بالای آنها به سیران می پردازد. پس بین خدا و مخلوق او رابطه ی محبت وجود دارد. با این حال، روح القدس از دنیای ما غایب می باشد زیرا او بر بالای آب هاست.

همین کلمه ی «روآح» در متنی که در آن خدا بعد از هبوط انسان در جستجوی وی به باغ بهشت آمده بود به وسیله ی کلمه ی «نسیم» ترجمه شده است (پید ۳:۸). برگردان این کلمه، مؤکد محیط الهی است که آدم و حوا در آن رشد می کنند و هم چنین میبین وجه مبهم و اسرارآمیزی از این روآح است که مانند نَفَس و نوعی حقیقت ملموس کیهانی بوده و صاحب آن خدا می باشد.

به همین دلیل، خدا می تواند این نفس را مانند نیرویی حیاتی بر انسان بفرستد. کسی که روح القدس بر وی «قرار گرفته» است قابلیت نبوت کردن و به انجام رساندن کارهای بزرگ را به دست می آورد. مورد یوسف (پید ۴۱:۳۸) موقعی که خواب های فرعون را تفسیر نمود و مورد بلعام (اعد ۲۴:۲-۹) زمانی که فریاد برآورد: «چه زیباست خیمه های تو ای یعقوب!» و قوم اسرائیل را برکت داد، از این گونه موارد می باشند.

در قطعه ای از متن کتاب اعداد، چگونگی انتشار روح القدس بر حسب ترتیب قاطع و در عین حال شگفت انگیز نشان داده شده است (اعد ۱۱:۲۴-۳۰): موسا چون نمی توانست رهبری تمام قوم را به عهده بگیرد طبق دستور خدا هفتاد نفر از مشایخ را در خیمه خود جمع کرد. پس خدا در ابر نازل شد و از «روحی» که بر وی بود گرفته بر آن هفتاد نفر از مشایخ نهاد. اما دو نفر از آنان به نام های الداد و میلاد که نامشان در بین مشایخ ثبت بود در آن موقع در خیمه اجتماع حضور نداشتند. با وجود این، آنها هم روح را دریافت کرده مانند دیگران شروع به نبوت نمودند. داستان برج بابل (پید ۱۱:۱-۹) که

معکوس پنطیکاست می باشد نشان می دهد که چگونه تلاش انسان زمانی که بدون مدد گرفتن از روح القدس باشد به عدم موفقیت منجر می گردد و نتیجه ی آن اغتشاش و جنگ است.

«رواح» به عنوان نیروی حیاتی هنگامی که از راه تدهین عطا شود در عین حال به آیت و عطیه ای با نیرویی فوق العاده تبدیل می گردد: «رواح پادشاهی» پادشاه را تعیین نموده و قدرتی خارق العاده به او می بخشد.

اولین شخصی که مسح را دریافت نمود شاول بود ولی چون از دستور الاهی سرپیچی کرد روح خدا از وی دور شد و روح شریر جانشین آن گردید. پس سموئیل نبی به بیت لحم رفته و پس از شنیدن صدایی درونی از جانب خدا آخرین پسر یسا را که نامش داود بود انتخاب کرده روغنی را که در حقه داشت بر سر وی ریخت (۱- سمو ۱۶: ۱-۱۳). روغن ناقل روح القدس است زیرا روغن مثل روح القدس ضمن منتشر شدن نفوذ هم می کند. از همین لحظه داود مسح شده ی خدا (مسیح خدا) گردید و قبل از این که به عنوان پادشاه شناخته شود روح القدس به صورت کارهای فوق العاده ای با قدرت عجیب که مهم ترین آنها جنگ او با جلیات بود در وی ظاهر گردید و این پیروزی اعلام گر پیروزی ما توسط روح القدس بر شیطان می باشد.

همه ی شاهزادگان تبار داود، لایق مسیحی که دریافت کردند، نبودند اما این قدرت که از خدا صادر می شود به پیامبران نیز با تبدیل «رواح شاهانه» به «رواح نبوی» داده شد و بدین جهت میکای نبی می تواند چنین بگوید: «ولیکن من از قوت روح خداوند... مملو شده ام» (میک ۳: ۸).

اشعیای نبی، محتوای مذهبی این عقیده را احیا نموده به این ترتیب بسط داد که عمل مسح همراه با اعلام کردن مسیح یعنی مسح شده خدا، مسیح خدا و کسی که روح القدس از ازل بر او قرار داشته عطیه ای است که از طرف روح القدس: «و نهالی از تنه ی یسا بیرون آمده شاخه ای از ریشه اش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند» (اش ۱۱: ۱-۲).

در قسمت دیگر (اش ۶۱: ۱-۲) سخنانی می یابیم که عیسا در کنیسه ی ناصره به خود نسبت داد (لو ۴: ۱۷-۱۸): «روح خداوند بر من است زیرا که مرا مسح کرد». کسی که روح القدس بر وی قرار

گرفت عطایای روح القدس را مالک می شود و ملکوتش طبق باب ۱۱ کتاب اشعیای با عدالت مشخص است. این ملکوت، ملکوت صلح است و زمان آخر را اعلام می نماید که در آن «گرگ با بره سکونت خواهد داشت... طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد...». این تصاویر در واقع نشان دهنده ی هم آهنگی و صلح می باشند که ثمرات عطایای روح القدس هستند.

اما از نظر حزقیال (۲۵: ۳۶-۲۸) عطیه ی روح، تنها جداگانه به اشخاص داده نمی شود بلکه در رابطه با قومی که از میان ملت ها جمع گردیده می باشد و نیز با آداب تطهیر توسط آب همراه است که در عین



حال باعث تجدید هستی می‌گردد. او فرد فرد اجتماع را خطاب نموده چنین می‌گوید: «دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید شما قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود».

در راستای همین اندیشه است که مزمور ۵۱، مزمور توبه، که در رابطه با خطای داود می‌باشد، تجدید حیات گناهکار را توسط حضور روح به طور قابل تحسین بیان نموده برای اولین بار روح را روح القدس میخواند، مز ۵۱: ۷، ۱۰-۱۱:

«*مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم  
مرا شست و شو کن تا از برف سفید تر گردم  
ای خدا دل طاهر در من بیافرین  
و روح استوار در باطنم تازه بساز  
مرا از حضور خود مینداز  
و روح قدوس خود را از من بگیر».*

یوئیل نبی با دنبال کردن اندیشه حزقیال در مورد «رواح» دسته جمعی، بسط جریان عالم گیر روح را اعلام می‌نماید و پطرس قدیس گفته‌ی او را در موعظه خود در روز پنطیکاست نقل می‌نماید (اع ۲: ۱۶-۱۷):

«*روح خود را بر تمام بشر خواهم ریخت*

*و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود» (یول ۲: ۲۸).*

در خانمه می‌بینیم که روح در عهد عتیق گرچه به وضوح یک شخص ظاهر نشده است اما از خود خدا مثل نفس او صادر میشود و جهت دگرگونی و احیاء به ژرفای درون انسان نفوذ نموده قابلیت تبعیت از درخواست‌های اراده‌ی الهی را به او می‌بخشد.

#### سوال برای تعمق بیشتر:

سمبول‌های بزرگ روح القدس در کتاب مقدس چیست؟ این سمبول‌ها مربوط به اشیا زمینی می‌باشد چگونه این اشیا می‌توانند به روح القدس اشاره نمایند؟ آیای این اشیا سمبول چیزهای دیگر هم هستند؟



#### کتاب برای مطالعه‌ی بیشتر:

- ۱- آب نشانه‌ی ای از روح القدس.
- ۲- مباحثی چند درباره‌ی روح القدس.
- ۳- روح القدس.

در زمان عبور از صحراء قوم تشنه گردید و اعتراض نمود و یهوه به موس گفت که به صخره بزق تا آب جاری گردد (خروج ۱۷: ۱-۷). در عهد جدید، بعد از مرگ عیسا بر روی صلیب، سربازی به پهلوی او نیزه زد، آب جاری گردید (یو ۱۹).

## قسمت دوم طبق عهد جدید

جسم و جان و هرچه هستم آن توست حکم و فرمان جملگی فرمان توست  
(مثنوی، اول، ۲۳۹۷)

ابتدا دو رویداد مهم در عهد جدید در ارتباط با روح القدس که خود را در آن دو رویداد ظاهر کرده بود و آن را در بخش های اول و دوم این کتاب بررسی نمودیم، به خاطر آوریم.

### الف - اعلام مژده به مریم

جبرائیل فرشته، به مریم چنین اعلام نمود: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلا بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد» (لوقا: ۳۵: ۱). زمانی که روح القدس مریم باکره را در سایه ی خود می گیرد، آن کس که روح بر او قرار دارد در حضرت مریم حاضر می شود. پس روح از ازل بر پسر قرار گرفته است (ر. ک اش ۶: ۱). به همین دلیل، باکره در اثر عمل روح، پسر خدا را باردار شد (اش ۷: ۱۴). «انگشت پدر و روح القدس بر کتاب بکر رحم مریم، کلام خدا را نگاشت»،<sup>۱</sup> کلام تن گرفت، روح القدس ابتدا مریم را خیمه ی<sup>۲</sup> خدا و سپس مادر خدا نمود بدین معنی که خدا را به دنیای ما آورد.

### ب - تعمید عیسا

یحیا تعمید دهنده چنین شهادت می دهد: «روح را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شد و بر او قرار گرفت» (یوحنا: ۳۲: ۱). ر. ک لوقا: ۳: ۲۲؛ مرکا: ۱۰: ۱؛ مت ۳: ۱۶). عیسا خود مسیح است چون روح (مسح) بر وی قرار گرفته و او را مسیح (مسح شده) نموده است. پسر که توسط روح مسح شده، خواهد توانست آن را به انسان ها بدهد. او حتا انسان شد تا روح را به انسان ها عطا نماید و این همان چیزی است که عیسا سعی می کند برای زن سامری بیان نماید. عیسا با فروتنی تام در میان گناهکاران ناپدید شده و چون تعمید گرفت در آن زمان برای بار اول راز تثلیث آشکار گردید.

۱- قسمتی از سرودی که به صورت ایستاده در ایام روزه ی بزرگ به احترام مریم خوانده می شود.

۲- خیمه، نشانه ی حضور خدا در میان قوم خود به رهبری موسا در زمان صحرا بود لازم به یادآوری است که در آیین نیایشی حضرت مریم را «صندوق عهد» می نامند.





شمايل كليساى سريانى

## ج - گفتگو با زن سامری: بخشش خدا

در علاجش سحر مطلق را ببین در مزاجش قدرت حق را ببین (مشوی، دفتر اول، ۶۷)

شرح گفتگوی عیسا با زن سامری در انجیل یوحنا (۴:۵-۴۲) آورده شده که شرحی بسیار زیبا و مملو از غنای روحانی می باشد.

عیسا، یهودیه را در جنوب ترک کرده به طرف جلیل در شمال رهسپار شد. او می بایستی از سامره که این دو قلمرو را از هم جدا می کرد عبور نماید. او به شهر سوخار «نزدیک به زمینی که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود» رسید. شاگردانش برای خرید خوراکی به شهر می روند. عیسا، خسته بر سر چاهی می نشیند. قریب ساعت ششم یعنی نزدیک ظهر است و هوا گرم می باشد. چاه عمیق و آب آن بسیار گوارا است ولی چرخ چاه بر سر آن نصب نگردیده بنابراین هر کس باید طناب و سطل خود را همراه بیاورد. پس عیسا در انتظار می ماند.<sup>۳</sup> زنی سامری به جهت کشیدن آب می آید و عیسا از او درخواست آب می نماید. باید به خاطر داشت که میان یهودیان و سامری ها خصومت بود و همین امر جواب زن سامری را وضوح می بخشد: «چگونه تو که یهودی هستی از من آب می خواهی و حال آن که من زن سامری می باشم». عیسا در جواب به او می گوید: «اگر بخشش خدا را می دانستی و کیست که به تو می گوید: آب به من بده هر آینه تو از او خواهش می کردی و به تو آب زنده عطا می کرد». زن در مقابل این جمله ی عجیب، اظهار تعجب نمی نماید اما در باطن وی چیزی می گذرد و لحن صدایش تغییر می کند و از این به بعد عیسا را «آقا» خطاب می کند. زن سامری می پرسد: «از کجا آب زنده داری؟» و عیسا در جواب او می گوید: «هر که از این آب بنوشد باز تشنه گردد. لیکن کسی که از آبی که من به او می دهم بنوشد ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می دهم در او چشمه ی آبی گردد که تا حیات جاودانی می جوشد».

زن سامری می خواهد از این آب بنوشد تا هرگز تشنه نگردد اما عیسا در جواب خواست او دستور عجیبی به وی می دهد و می گوید: «برو و شوهر خود را بخوان و در این جا بیا». زن بسیار ناراحت شده جواب می دهد: «شوهر ندارم» عیسا به او می گوید که تاکنون پنج شوهر داشته و آن که الان دارد شوهر او نیست. زن در فکر این نیست که حقیقت را انکار کند پس می گوید: «ای آقا می بینم که تو نبی هستی...» و بلافاصله از وی سؤالی می کند که در نظرش بسیار مهم است: «پدران ما در این کوه پرستش می کردند و شما می گوئید که در اورشلیم جایی است که در آن عبادت باید نمود» جواب عیسا

۳- این قطعه یکی از نمونه های متعددی است که نشان می دهد عیسا یعنی خدای راستین، انسان راستین نیز می باشد زیرا در این جا خسته و تشنه است. . .

ما را به همراه زن سامری به طور برق آسا از سطح تضاد به سطح حقیقت الاهی سوق می دهد: «ساعتی می آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد... لیکن ساعتی می آید - بلکه الآن است- که در آنپرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد... خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد»<sup>۴</sup>. پس آب زنده ای که عیسا به زن سامری وعده می دهد چه آبی است؟ و این بخشش خدا که از آن صحبت می کند چیست؟ عیسا خود مفهوم آن را در معبد اورشلیم به هنگام عید خیمه های<sup>۵</sup> یهودیان بیان خواهد نمود.

#### د - عید خیمه ها: آب زنده

تشنگی کم جو آب آور بدست تا بجوشد آبت از بالا و پست (مثنوی، دفتر پنجم)

(قبل از خواندن متن ذیل، کتاب مقدس را بخوانیم، یو: ۷)

ما در کلیسای کلدانی کاتولیک این انجیل را در چهارمین جمعی ایام روزه ی بزرگ می خوانیم که این متن ما را به تماشای مسیح بر صلیب دعوت می کند: «از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد» (یو: ۳۸:۷)؛ و فوراً یوحنا توضیح می دهد که معنی این آب زنده چیست: «این را گفت درباره ی روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت، زیرا روح القدس هنوز عطا نشده بود، چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود». (یو: ۳۹:۷).

می دانیم که عیسی چون کشته شد سربازی با نیزه ی خود پهلوی او را باز کرد که فوراً از آن خون و آب جهید (یو: ۱۹:۳۴).

۴- در این ملاقات منقلب کننده، بین عیسا و زن سامری تمامی مراحل آگاهی از رازهای مسیحیت یعنی: پاکی به وسیله ی آب تعمید که سپس به عطیه ی روح تبدیل می شود، منور شدن به نور الاهی از راه شناخت مسیح، پسر خدا (در همان لحظه ای که عیسا در مورد پرستش خدا صحبت می کند زن در وی مسیح را می شناسد) و بالاخره اتحاد با شخص مسیح وجود دارند. آیا ملاقات در کنار چاه از نظر کتاب مقدس يك تصویر زناشویی نمی باشد (راحیل و یعقوب، پید: ۹-۲۹: ۱۴). هر شخص که با خدا ملاقات نماید به همراه مسیح به تالار عروسی ملکوت آسمان (ر. ک مکل ده باکره) وارد می شود. به دنبال این مکاشفه، زن سامری به صورت شاهد درآمده و مسیح را به انسان ها اعلام می دارد.

در کلیسای ارتدوکس، زن سامری قدیسه ای با نام یونانی «فوتینه» به معنای «روشن» یا «کسی که نور را حمل می نماید» مورد احترام است و جشن او در یکشنبه پنجم بعد از عید گذر، در زمان تعمید گرفته می شود. در کلیسای رومی، متن انجیل مربوط به زن سامری در یکشنبه سوم روزه بزرگ، در زمان آماده شدن برای تعمید عید گذر قرائت می شود. در کلیسای آشوری کلدانی این متن در عید پنطیکاست کع عید تعمید رسولان در روح است خوانده می شود.

۵- عید خیمه ها که توده های مردم به خاطر آن از اطراف و اکناف جمع می شدند در رابطه با کشاورزی بود زیرا طی آن مراسم دعا در طلب بارندگی برگزار و کلبه های کوچکی از شاخه های درخت ساخته می شد و به طور کلی این مراسم به یادبود معجزه آب برگزار می گردید. و در آن نبوت هایی در مورد چشمه ای که صهیون را احیا خواهد کرد قرائت می شد مانند: «در آن روز آب های زنده از اورشلیم جاری خواهد شد» (ر. ک ۱۴: ۸). . . «اینک آب ها از زیر آستانه ی خانه به سوی مشرق جاری بود». (حزق ۴۷: ۱).

برای یوحنا، عیسی در بالای صلیب به جلال رسید. یکتا سرچشمه‌ی روح القدس برای تمام دنیا را در اینجا تماشا می‌کنیم.

مسیح مصلوب، کلیسای بیزانتینی، قرن ۱۶



«چون دیدند که عیسا، پیش از آن مرده است، ساق‌های او را نشکستند. لیکن یکی از لشکریان به پهلو او نیزه زد که در آن ساعت خون و آب بیرون آمد» (یو: ۱۹:۳۳-۳۴).

طبق پدران کلیسا، خون و آب می‌تواند دو معنا داشته‌اند: آب زنده طبق یوحنا ۷:۳۷-۳۹ و خون و آب به معنای رازهای هفت‌گانه کلیسا، که کلیسا با دقت آن را در جام می‌پذیرد.

«تشنه ام»:

این فریاد، تشنگی اصلی انسان ها را به خوبی توصیف می نماید. تنها در جنبه ی روح جسد مسیح کشته شده که از پهلوی او خون آب جاری می گردد (یو ۱۹: ۳۴) «تاریخ نجات» یعنی رویداد های بزرگ نجات بخشی که به منظور احیای ما به واسطه مسیح رخ داد یعنی تن گرفتن، تعمید، تجلی، رنج و عذاب، صلیب، رستاخیز و صعود. هدف همه ی آنها فرونشاندن این تشنگی توسط آمدن روح القدس در روز پنجاهه بود. روح القدس در واقع برای هر یک از ما در کلیسا، تمام آنچه را مسیح در هر یک از مراحل زندگی خاکی خود به جهت ما از پدر دریافت نمود به همراه می آورد. عیسا خود چنین گفت: «از آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد» (یو ۱۶: ۱۴-۱۵). و به این ترتیب رشته ای که کار مسیح را به نزول روح وصل می نماید آشکار می گردد یعنی روح، ما را در آنچه مسیح کسب کرد سهیم می نماید.

### ح - بعد شام آخر

کلمه ی پاراکلتوس مرکب از فعل (Kaleo) به معنی «فراخواندن» و پیشوند (Para) به معنی «نزد» است.

کلمه ی پاراکلتوس از کلماتی است که در ادبیات یوحنا به کار برده شده و بیشتر بر نقش و کارکرد چیزی تأکید می کند تا ماهیت آن. این کلمه در انجیل یوحنا برای توصیف روح القدس به کار رفته و مفسرین و مترجمین معانی مختلفی برای آن در نظر گرفته اند، از جمله: وکیل مدافع، پشتیبان، تسلی دهنده. در اول یوحنا ۲: ۱ به معنی شفیق و توصیفی برای مسیح است.

رفع يك سوء تفاهم « PARAKLETOS »

### الف - روح القدس و حضور عیسا

آمدن پاراکلتوس به رفتن عیسا نزد پدر بستگی تام دارد. عیسا نه تنها در زمان آخر خواهد آمد بلکه او که رستاخیز کرده همیشه با شاگردان است، اما این حضور دیگر حضور جسمانی نیست بلکه روحانی. تا آن زمان او در میان شاگردان ساکن بود اما حالا در نام او و به دعای او، پدر توسط عیسا مصلوب پاراکلتوس دیگری برای آنان می فرستد. آن پاراکلتوس حضور مسیح را کامل می کند و همانند عیسا در آنها خواهد بود و برای همیشه با آنها می ماند. در او همان راستی است که در عیسا است و دارای همان ویژگی هایی است که عیسا دارد.

### ب - روح راستی، خاطره ی زنده ی کلیسا

پارا کلتوس حضوری فعال در میان جماعت شاگردان دارد، مسیح را جلال می دهد و تعلیمات او را شکل عملی می دهد. این تعلیمات و یادآوری ها در ارتباط با عیسا انجام می شود همان گونه که عیسا خدمتش را در صمیمیتی با پدر انجام داد. همان طور که پدر همه چیز را به پسر داد روح نیز آنها را به شاگردان می دهد، سخنان عیسا را به یاد آنها خواهد آورد چون که او از خود نمی گوید بلکه از آن چه شنیده است. بنابراین، او همه چیز را از پدر گرفته و تعلیماتش از پدر است. روح به جمیع راستی هدایت می کند. حوادث گذشته را در نور رستاخیز دوباره زنده می کند و بدین وسیله به مسیح شهادت می دهد و شاگردان را قادر می سازد که با او و به وسیله ی او شهادت دهند.

### آیا آتش در این جا نشانه ای از روح القدس است؟

#### سه پسر در تون آتش

به صورت عجیبی این پسران محکوم شده توسط پادشاه، چون نخواستند بت های بابلیان را سجده کنند، در آتش افکنده شدند ولی یک دیگر را در آغوش گرفته، در اتحاد کامل به سر می برند و با خوشحالی به رقص مشغولند، البته در بالای سر ایشان، روح القدس به صورت فرشته ای می بینیم که از ایشان حمایت و دفاع می کند. و در کنار این تون آتش، خادمین پادشاه را می بینیم که خواستند هیزم به آتش اضافه کنند که دستشان سوخته می شود (ر. ک دان باب ۳). البته این شمایل با اوضاع کلیسای امروز، که چون بت های فعلی را رها ساخته و به مسیح شهادت داده، محکوم می شود، ولی تحت حمایت روح القدس، در خوشحالی می رقصند، ارتباط دارد.



شمایل کلیسای ارمنستان که در سال ۱۲۸۸ به تصویر کشیده شده است.

### ج - روح راستی، مدافع عیسا

در قلب ایمانداران، پاراکلتوس نه تنها راستی را در برابر اشتباه آشکار می کند بلکه از راستی در مقابل دروغ (ناراستی) این جهان دفاع می کند. او آن روح راستی است که مرتباً بر علیه این دنیا و برای مسیح شهادت می دهد.

ادعایی که بعضی از مسلمانان در مورد پیشگویی نام محمد در عهد جدید دارند از کلمه ی یونانی پاراکلتوس (فارقلیط) سرچشمه می گیرد و بیشتر از همه به انجیل یوحنا استناد می کنند: ۱۴:۱۵-۱۸؛ ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۷-۱۵ و می گویند منظور از آن پاراکلتوس (مدافع، پشتیبان) موعود نه روح القدس بلکه پیغمبر اسلام است و از آنجا که انجیل چهارم به زبان یونانی نوشته شده، پس کلمه ای که عیسا برای (احمد و محمد) به کار برده عوض شده و یوحنا معنی آن را به زبان یونانی ترجمه کرده و اصل لفظ از میان رفته است. انجیل برنابا عین کلمه را نوشته است و یوحنا کلمه *parakletos* (پرقلیطوس) به کار برده که در عربی «محمد» و در فارسی «ستوده» معنی می دهد و اعراب آن را معرب نموده فارقلیط گفتند.

از شمعون رسول روایتی نقل می کنند که صریحاً نام احمد برده می شود و تعدادی از صفات و ویژگی های او را نام می برد. در معنی پاراکلتوس (وکیل مدافع و پشتیبان) قبل از اسلام اختلافی وجود نداشته است.

مسلمانان، نزول روح در روز پنطیکاست را به کلی مردود شمرده و تمام ویژگی هایی را که در وصف این روح در انجیل از زبان عیسا و در اعمال رسولان می خوانیم همگی به حضرت محمد نسبت داده اند.

یک نفر مسیحی در رساله ی کوچکی می گوید که عرب ها لفظ پاراقلیطوس را اشتباه پرتقلیطوس فهمیده و همین امر باعث شده که معنی وکیل و مدافع به احمد و محمد تغییر یابد و لفظ صحیح پاراقلیطوس است نه پرتقلیطوس. مؤلف کتاب (ینابیع) نیز این امر را تأکید کرده و می گوید به دلیل نزدیکی تلفظ این دو کلمه عرب ها در اشتباه افتاده اند.

و نیز از آنجا که در قرون اول میلادی بعضی اشخاص مدعی شدند که همان فارقلیط هستند و جمعی را به گرد خود آوردند، کسانی گمان بردند که فارقلیط باید انسان باشد و این اشتباه در میان مسلمانان شایع شد و از آنجایی که افرادی در درک معنی فارقلیط در اشتباه افتادند و دنبال این اشخاص را گرفتند، مسلمانان نیز با استفاده از این مساله ادعا کردند که فارقلیط موعود، شخص پیامبر اسلام است و در این باب نمونه ها و مثال هایی نیز ذکر می کنند.

در انجیل یوحنا علاوه بر باب ۱۴ در جاهای دیگری از آن روح صحبت شده است مثلاً باد به عنوان نشانه ی روح (باب ۳)، آب زندگی به عنوان نشانه ی روح (باب ۷)، اما کتاب یوحنا در میان کتب عهد

جدید استثنا نیست بلکه از این روح یعنی روح القدس در اناجیل دیگر و اعمال رسولان سخن گفته شده است، این مساله را می توان به خوبی در اعمال رسولان عملاً دید که عیسا ده روز بعد از صعودش پاراکلتوس دیگری غیر از خود برای ایمانداران فرستاد.

یو ۱۶:۱۳ = آمدن روح راستی.

یو ۲۲:۲۰-۲۳ = مسیح با دمیدن همین روح بر شاگردان به ایشان قدرت می دهد که گناهان دیگران را ببخشند. آن روحی که در مقابل پادشاهان، مدافع شاگردان است همان او از عیسا در قلب شاگردان دفاع می کند.

پاراکلتوس دنیا را به سه چیز ملزم خواهد نمود: گناه، عدالت و داوری (یو ۱۶:۸-۱۱).

یو ۱۴:۱۸ = «شما را یتیم نمی گذارم». کلمه ی پاراکلتوس در زبان یونانی برای شخصی به کار می رود که «خوانده شده تا در کنار شخص باشد» و کار دفاع و حمایت از شخص را انجام دهد. با توجه به این گفته ی عیسا که شما را یتیم نخواهم گذاشت و پاراکلتوس دیگری به شما خواهم داد چندان معقول به نظر نمی رسد که انتظار این پاراکلتوس ۶۰۰ سال طول بکشد. آیا مسیحیانی که در طی این ۶۰۰ سال زیسته بودند چطور توانستند آن همه جور و جفا را تحمل کنند. آیا عیسا در این مدت آنها را ترک کرده و دل آنها را به مدت چند صد سال خوش کرده بود؟ اما زندگی کلیسا و ایمانداران شهادت می دهد که از همان ابتدا عیسا را هنگامی که از آن پاراکلتوس سخن می گفت آن را به عنوان روح راستی به شاگردان شناسانید. آن روح راستی که حضور زنده ی عیسا را در قلب ایمانداران ادامه داده رشد می بخشد. آن روح با آنها برای همیشه می ماند. در صورتی که هیچ مسلمانی حاضر نیست بپذیرد که محمد روح بوده است و کسانی که انسانی را به جای آن پاراکلتوس گرفته و دور او جمع می شوند بدون شک درک درستی از سخنان عیسا نداشته اند. (اما در مورد متونی که منسوب به رسولان و در رابطه با پیامبر اسلام می باشند باید گفت که تا به حال سندیت و صحت این نوشته ها حتا از طرف همه ی مسلمانان کاملاً تأیید نشده و برای استناد اعتبار چندانی ندارند).

### « خلاصه ی تعلیمات رسمی »

تحت عنوان «به روح القدس ایمان دارم» می خوانیم:

۱۳۶- کلیسا وقتی اقرار می کند به «روح القدس ایمان دارم» چه چیزی را اقرار می نماید؟

ایمان داشتن به روح القدس، به این معنی است که به سومین شخص تثلیث اقدس، اقرار کنیم، شخصی که از پدر و پسر صادر شده همراه «با پدر و پسر، پرستش و تجلیل می شود». روح القدس «در قلب ما فرستاده شده است» (غلا ۴: ۶) تا زندگی نوین فرزندان خدا را بپذیریم.

۱۳۷- چرا مأموریت های پسر و روح القدس، جدا ناپذیر هستند؟

در راز سه گانه اقدس غیرقابل تقسیم، پسر و روح القدس، متمایز ولی جداناپذیر هستند. در واقع، از آغاز تا پایان زمان،



وقتی پدر، پسر خود را می فرستد، روح القدس خود را نیز می فرستد که ما را توسط ایمان به مسیح متحد می سازد، تا بتوانیم به عنوان فرزند خواندگان، خدا را پدر خطاب نمائیم (روم ۸: ۱۵). روح القدس نامرئی است ولی توسط اعمالش وقتی که کلام خدا را بر ما وحی می نماید و در کلیسا عمل می کند او را می شناسیم.

۱۳۸- واژه های روح القدس کدام می باشند؟

روح القدس، نام خاص سومین شخص سه گانه ی اقدس می باشد. مسیح، او را پاراکلتوس (تسلی دهنده و وکیل دفاع) و روح راستین، نیز می نامد. باز عهد جدید، او را روح مسیح، روح خداوند، روح خدا، روح جلال یا روح عهد، می نامد.

۱۳۹- نمادهائی که به روح القدس اشاره می کند کدام هستند؟

البته متعدد هستند، مثلاً آب زنده که از قلب نیزه خورده مسیح می جوشد و تعمید شدگان را سیراب می کند، مسح با روغن که نشانه ی رازگونه تثبیت روح القدس، آتش که با هر چیز که نزدیک شود آن را تغییر می دهد، ستون ابر، خواه تاریکی، خواه نورانی، که در آن جلال خدا آشکار می شود، دستگذاری، که از راه آن روح القدس داده می شود، کبوتر که بر مسیح نازل شده که زمان تعمیدش بر او می ماند. زمان تعمیدش بر او می ماند.

۱۴۰- «روح القدس توسط پیامبران صحبت کرده است» این جمله چه معنائی دارد؟

در این جا کلمه ی پیامبران به آنانی که توسط روح القدس الهام گردیده تا به نام خدا سخن گویند. روح القدس، نبوت های عهد قدیم را به معنی کمال خود، در مسیح می رساند، که راز او (مسیح) در عهد جدید مکشوف می شود.

۱۴۱- کار روح القدس در یحیای تعمید دهنده چیست؟

روح القدس، یحیا تعمید دهنده را سرشار می گرداند، یعنی آن آخرین پیامبر عهد قدیم که زیر نفوذ او (روح القدس) فرستاده شده «تا قومی متحد برای خود مهیا سازد» (لوقا ۱۷: ۱) و تا آمدن مسیح را اعلام کند، یعنی پسر خدا که دید، روح القدس بر او نازل شده و می ماند. همان کسی که «در روح القدس تعمید می دهد» (یوحنا ۱: ۳۳)

۱۴۲- اعمال روح القدس در حضرت مریم چیست؟

روح القدس، در حضرت مریم تمام انتظارات آمدن مسیح و آماده ساختن او را در عهد قدیم به کمال می رساند، به صورت بی همتا او را از فیض پر ساخته و با حفظ بکارت او را بارور گرداند تا توسط او پسر خدا در بشریت تولد یابد. او را مادر «مسیح کامل» می گرداند، یعنی هم مادر مسیح، سر کلیسا و هم مادر کلیسا که بدن اوست. مریم در میان آن دوازده تن حضور دارد، روز عید پنجاهه وقتی روح القدس با آشکار ساختن کلیسا «زمان آخر» افتتاح می کند.

### سؤال برای تعمق بیشتر:

- ۱- معنی کلمه ی یونانی پاراکلتوس چیست؟ یوحنا با این کلمه به چه اشخاصی اشاره می کند؟
- ۲- چون کلیسا احتیاج دارد همیشه پاراکلتوس داشته باشد، اوضاع کلیسا در این دنیا چگونه است؟ (ر.ک مت. ۱۷: ۱-۳۳؛ یوحنا ۱: ۱۶-۴؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱ پطرس ۳: ۱۴-۱۷؛ ۴: ۱۲-۱۹).

### کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

- ۱- روح القدس.
- ۲- روح القدس در آیین تعمید طبق سنت سربانی.
- ۳- روایت زن سامری.